

ماشین ترمز نداشت.

نماز، ستون دین است.

مرداب، بوی تندى داشت.

منشی به بیمار شماره داد.

سروش دستش را بُرید.

استاد به سارا نمره داد.

باد تند شد.

بابا به سینا مُزد داد.

او مدیر مدرسه است.

باران زمین را شست.

رُب ترش بود.

امام مبارز بود.

سمنان استانی در ایران است.

شتر بار می برد.

م

م

امید - تند - مدیر - درست - شتر - دم - بز - درشت - سُرُسره - مشت

رُب - سُم - تَرَد - ترش - مُزد

آردو - مَرْدَم - شما - استاد - تَرُب - اَنو - تندباد - سُرود

سروش - مُراد - مُرداد - مبین - نمره - دُشمن - شُرشر - ترمز - مرداب

منشی - تَرَبَت - استان - ستون - ممتاز - دُنیا

منیره - مبارز - مشتری - مناسب - شماره

بُردَم ... بُریدَم ... شُستَم ... شَلَم ...

این سبب درشت است.

بُز دَم دارد.

باران تند آمد.

امید در باران آمد.

او با مدیر از دبستان آمد.

مُراد سُرُسره بازی را دوست دارد.

باران شُرشر می بارید.

سارا دانش آموز ممتاز است.

بابا امید را به آردو بُرد.

مَن دَسَتَم را شُستَم.

دریا زیبا است. من دریای آبی را دوست دارم.

مادر سبزی را می شوید.

آزاده از مدرسه زود می آید.

بر زمین، سبزه می روید.

شاید مریم بیاید.

او از زیارت می آید.

سارا به رایانه نیاز دارد.

دریا از بیابان دور است.

زمین به آبیاری نیاز دارد.

این دایره زرد است.

زمستان بسیار سرد است.

موی یاسمن بور است.

دیروز تیمور نیامد.

یزد در میان بیابان است.

این آزمایش آسان است.

یوش روستایی در مازندران است.

امروز باید با ما بمانی.

این زیتون شور نیست.

یاسمن بریانی دوست دارد.

او در میدان بود.

یاس - دریا - سایه - روی دریا - بوی یاس - میمون

یا - یاد - یار - یزد - دی - نی - یوز - یوش

آیا - یاری - شاید - باید - سوی - موی - توی - زیاد - بسیار - نیاز

میان - میدان - مریم - تیمور - زیتون - رویش

یاسمن - آینه - رایانه - نباید - زیارت - برای - دایره - آبیاری

آزمایش - آشیانه - بیابان - بریانی - آرایش - آینه

موریانه

می آیم - می آیی - می آید ... یاسمن - یایی - بیاید

می شوید - می شوی - می شوید ... بشویم - بشوئی

می برویم - می بروی - می روید

می روید ...

دریا حله دارد.

بوی یاس می آید.

مادر یاس در دست دارد.